و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین

وزیر جدید کار را بهتر بشناسیم .

داریوش فروهر وزیر جدید کار فرزند سرهنگ فروهر از افسران طرفدار آلمان نازی در جنگ دوم جهانی بود که این خانواده دارای اصل و نسب زرتشتی میباشند . ایرانیست

قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (داریوش فروهر و پزشکپور بعد از مرگ علیرضا رئیس که بنیان گذار حزب پان بود حزب را سرو سامان میدهند (علیرضا رئیس از طرفداران فعال آلمان نازی در ایران بود و در ساختن مواد منفجره از بین رفت) یکی از هدفهای حزب پان ایرانیست احیاء فرهنگ و آداب قبل از اسلام یعنی دوره ساسانیان بود و تمام آئین های زرتشتیان در درون حزب رواج داشته و افراد پائین تر افراد مافوق را [illegible] و با سلامهای هیتلری و ژنرالهای رومی بیکدیگر احترام میگذاشتند .

بعد از مدتی یکی از رهبران حزب بنام مهرداد گروهی بنام پرچمداران پان ایرانیست را از حزب جدا کرد و فروهر نیز از حزب منشعب شده و حزب ملت ایران را که بر بنیاد پان ایرانیسم استوار بود تاسیس مینماید . افراد حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم به رهبری فروهر دارای لباس مخصوص از پیراهن سفید " کراوات قرمز و بازوبند آرم حزب " بودند .

مرکز فعالیت آنها منطقه شاه آباد بود " همان منطقه ای که کارگران و زحمتکشان دارای سندیکاها و تشکیلات دیگر کارگری بودند و دائما بدانجا رفت و آمد داشتند .

اعضاء حزب ملت ایران به رهبری فروهر در حقیقت گروه ضربتی بودند علیه کارگران و محافل کارگری آنها که اکثرا با چاقو و چماق و قمه مجهز بودند به زحمتکشان حمله ور شده و آنها را مضروب مینمودند .

چندی پیش یکی از اعضاء حزب بنام حسین مشایخی متولد اصفهان با لهجه غلیظ اصفهانی میگفت :

ما وقتی با کارگران بحث میکردیم و احساس میکردیم که داریم مغلوب میشویم فورا چاقو را در آورده و میگفتیم منطق ما اینست .

عده ای از اعضاء فعال حزب ملت ایران که سابقه شرارت و چاقوکشی داشتند عبارتند از :

امیر رستمی کیا (معروف به امیر عربزر) مهدی بیرجندی احمد عشقی حسن پورعلیقلی جعفر شرقی (معروف به جعفر خر) فتوحی خسرو سیف مصطفی رضائی گرگین محسن مشکین مو حسین آقامهدی و .....

فروهر بارها به [illegible] اعضاء حزب به مخالفین که اکثرا کارگران بودند حمله کرده و در مواردی آنها را به مقر حزب برده و شدیدا مضروب مینمودند .

داریوش فروهر در این جمع بنام چاقوکش بچه آرو معروف بود و بقول گرگین یکی از اعضاء حزب نیز چاقوی داریوش را هیچکس نمیتوانست تحمل کند .

در یکی از روزهای سالهای ۱۳۳۱ دارو دسته فروهر به جمعی از کارگران کفاش حمله میکنند و یک زحمتکش شریف بنام عبدالله عابد [illegible] که کارگر کفاش بود بدست افراد حزب ملت ایران شکمش پاره میشود " شخص نامبرده برادر عزیز [illegible] معروف میباشد و شاعر نامی هوشنگ ابتهاج (ه . ا . سایه) در مرثیه این کارگر شهید شعری بنام مرگ دیگر سروده که بسیار معروف است و در کتابی بنام شبگیر در همان سالها چاپ شده است .

در زمان نخست وزیری دکتر مصدق فروهر چندین بار بجرم چاقوکشی و شرارت که ظاهرا بنام طرفداری از دکتر مصدق ولی در باطن برای لکه دار کردن حیثیت اجتماعی دکتر مصدق بود به زندان افتاد

قبل از ۲۸ مرداد عده ای بنام آزادگان پان ایرانیست از حزب ملت ایران منشعب شدند که دارای پرچمی با علامت دزدان دریائی (اسکلت و استخوان مرده) و آرم پان ایرانیست بودند .

روز ۲۶ مرداد سال ۱۳۳۲ کارگران و زحمتکشان که از ناروائیها و تضییقات این حزب نسبت به خود بتنگ آمده بودند به مقر حزب واقع در اول خیابان صفی علیشاه حمله کرده و آن را با خاک یکسان نمودند روز بعد فروهر بروی خرابه های حزب خطاب به اعضاء گفت :

اگر وضع بهمین منوال پیش برود من پیاده تا رم خواهم رفت و اعلیحضرت را برمیگردانم .

بعد از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که آزادیخواهان و روشنفکران تحت سخت ترین شرائط و تحمل شکنجه ها و اعدام های دسته جمعی قرار داشتند فروهر از وضع نسبتا مرفهی در زندان برخوردار بود .

در سال ۱۳۴۵ فروهر در زندان شماره ۳ قصر یکی از معاودین را با ماهی ۳۰۰ تومان بعنوان نوکر استخدام کرده بود . در شرائط سختی که زندانیان زندگی جمعی داشتند و سعی میکردند تمام مشقات و ناراحتیهای زندان را تحمل کرده و با زندگی جمعی بار آنرا میان خود تقسیم کنند فروهر در آن شرائط فردی را اجیر کرده و غذای جداگانه برای خود سفارش میداد و حتی جزو برنامه روزانه سبیلهایش را هر روز

اسناد
کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران
قم ۱۴۰۰ خورشیدی

۱۴۲/۵۴/۱

صبح با روغن نارگیل چرب میکرد .

فروهر در زندان شماره ۳ قصر به پاسبانی بنام علی آبادی رشوه میداد تا در مدت ملاقات زندانیهای دیگر را به محل ملاقات راه نداده تا اوبتواند با همسر و خانواده خود تنها ملاقات کند .

در سال ۱۳۵۰ که روشنفکران و آزادیخواهان را دسته دسته و بدون دلیل دستگیر کرده و بزندان میافکندند و دریک اطاق ۷ × ۷ حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر را ردیفی مانند کبریت توی قوطی میخوابانیدند و زمانیکه اشخاصی را نظیر مهندس سحابی و دیگران در بدترین شرائط و در همین اطاقها زندانی بودند فروهر پشت دفتر ساقی جلاد معروف ساواک دارای یک اطاق اختصاصی با میز تحریر یخچال و گماشته مخصوص بود .

کسی که حتی در شرائط زندان نیز حاضر نبود که با دیگران همرنگ شود و زمانیکه آزادیخواهان کشور دسته دسته در زیر شکنجه ها جان میسپردند او غذای مخصوص میخورد و در اطاق اختصاصی استراحت میکرد .

زمانیکه مردم برای آزادی و برابری از دادن خون خود دریغ نداشتند او خود را سرور میدانست و انسانی را بعنوان گماشته اجیر کرده بود زمانیکه رژیم منفور پهلوی جزایر تنب و ابوموسی را اشغال نظامی کرد فروهر به یمن پیروزی رژیم در زندان شیرینی تقسیم میکرد و بالاخره زمانیکه کارگران بعد از انقلاب برای دریافت حقوق عقب مانده خود در ساختمان وزارت کار جمع میشوند او به آنها اهانت کرده و همچنین میگوید :

از کرانه خزر تا سواحل خلیج فارس هنوز کسی زاده نشده که بمن بگوید چکار باید بکنم

حال این شخص با این سابقه که مختصری از شرح احوال اوست در راس تشکیلات کارگری قرار گرفته و میخواهد به احقاق حقوق کارگران و زحمتکشان بپردازد و وزیر کابینه انقلابی است .

: خودتان قضاوت کنید !!

سازمان انقلابی جبهه ملی ایران

اسناد
کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
قم
۱۴۰۰ خورشیدی

۱۴۲/۸۴/۲